

گفتگوی ایران و فنلاند: تحولات ژئوپلیتیک منطقه‌ای و امنیت انرژی

روز سه شنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۹۵، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه با همکاری موسسه الکسانتری^۱ نشست را با موضوع گفتگوی "ایران و فنلاند: تحولات ژئوپلیتیک منطقه‌ای و امنیت انرژی" برگزار کرد. در این نشست، تعدادی از پژوهشگران موسسه الکسانتری، پژوهشگران مقیم و مهمان پژوهشکده، اساتید دانشگاه و جمع کثیری از دانشجویان مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد از دانشگاه‌های مختلف حضور داشتند. از سوی موسسه الکسانتری، دکتر مارکو کیوین رئیس موسسه، دکتر ولی پکا تینکینن، و دکتر مارکو کانگاسپورو و از سوی پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه نیز دکتر کیهان برزگر رئیس پژوهشکده، خانم دکتر مریم پاشنگ و آقای بهزاد احمدی لفورکی پژوهشگران مهمان پژوهشکده به ایراد سخنرانی پرداختند.

در آغاز، دکتر برزگر که ریاست نشست مزبور را برعهده داشت، به حضار خوشامدگویی گفت. سپس، وی به نخستین گفتگوی ایران و فنلاند درباره امنیت انرژی در پرتو تحولات ژئوپلیتیک منطقه‌ای در پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه اشاره کرد. در ادامه، وی بیان کرد که توافق هسته‌ای میان ایران و شش قدرت جهانی با عنوان برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) امنیت انرژی بین‌المللی را به واسطه آوردن صلح و ثبات در منطقه به طرز مثبتی تحت تاثیر قرار داده است. همچنین، در حال حاضر، چشم انداز روابطی خوب میان مصرف‌کنندگان انرژی و بازیگران تولیدکننده آن به ویژه میان ایران و چین، و روسیه و اروپا وجود دارد و این مساله عمدتاً به این واقعیت مربوط می‌شود که لازم است ایران در مسائل منطقه‌ای مشارکت داشته باشد؛ این امر خود به ثبات بیشتری نیز منجر خواهد شد به طوری که آن برای امنیت انرژی بین‌المللی مهم خواهد بود.

پس از آن، آقای کیوین، رئیس موسسه الکسانتری ضمن اشاره به این امر که مساله انرژی در موسسه مزبور بسیار مهم است و برنامه های تحقیقی سازمان یافته ای در این باره وجود دارد، عنوان کرد که روسیه به شدت به انرژی وابسته است. ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی روسیه و ۶۷ یا ۷۵ درصد صادرات آن فقط به انرژی متکی است. بنابراین، روسیه کشوری به شدت وابسته به انرژی است و این بحث جدی همواره در اروپا مطرح بوده است که آیا این امر مساله ای امنیتی است یا اقتصادی. سپس، وی به این نکته اشاره کرد که پژوهشگران موسسه الکسانتری همواره سعی کرده اند تا مدلی نظری را به منظور شرح "ابعاد مختلف انرژی" ارائه و بسط دهند؛ چرا که انرژی فقط مساله ای امنیتی یا اقتصادی نیست، بلکه موضوعی بیشتر مربوط به محیط زیست و به عنوان مثال، مساله تغییرات آب و هوایی نیز می باشد. در این راستا، هم اکنون، در فنلاند این سوال مطرح است که مساله انرژی موضوعی امنیتی است یا اقتصادی. البته، خط اصلی تفکر محققان فنلاندی همواره این بوده است که مساله انرژی موضوعی اقتصادی، امنیتی و نیز محیط زیستی می باشد. اما اینکه چگونه می توان نوعی توازن میان این موضوعات را ایجاد کرد، مساله ای واقعی برای آنها است.

سرانجام، مارکو کیوین توضیح داد که ما در جهان هسته ای زندگی می کنیم؛ بدین دلیل که همه بازی ها در صحنه بین المللی این گونه تعریف می شود که آمریکا و روسیه می توانند همه ما را نابود کنند. در واقع، چنانچه جنگی بزرگ وجود داشت، آنها می توانستند همه ما را نابود کنند. در حال حاضر، این موضوع مطرح است که ریسک بالایی در زمینه فعالیت های هسته ای وجود دارد. اما از سویی دیگر، داشتن تسلیحات هسته ای است که قدرت های بزرگ را در این جایگاه قرار می دهد. البته، از دیدگاه وی، گسترش تسلیحات هسته ای بسیار خطرناک است. هر چقدر کشورهای دارنده تسلیحات هسته ای بیشتری وجود داشته باشند، ملت ها بیشتر در معرض خطر و احتمال وقوع بحران خواهند بود.

به عنوان سومین سخنران، خانم پاشنگ تحلیلگر مسائل انرژی، چشم انداز روابط انرژی میان ایران و فنلاند را مورد تحلیل قرار داد. وی ضمن اشاره به میزان ذخایر نفت و گاز ایران اظهار کرد که ایران چهارمین ذخایر اثبات شده نفت خام و دومین ذخایر گاز طبیعی جهان را دارا است. همچنین، ایران نقش مهمی در امنیت انرژی جهان دارد و تامین انرژی کشورهای مصرف کننده ای همچون فنلاند را تضمین می کند.

سپس، وی توضیح داد که تحریم های تحمیل شده علیه ایران توسط آمریکا و اروپا به صنعت نفت ایران لطمه زد. اما هم اکنون، با لغو تحریم ها، فضای مثبتی برای سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز ایران وجود دارد. شرکت ملی نفت ایران مسئول فعالیت های مربوط به پروژه های بالادستی نفت و گاز می باشد و شرکت های خصوصی نیز مسئول پروژه های پایین دستی صنعت نفت و گاز هستند. شرکت های بین المللی و دیگر شرکت ها می توانند در اکتشاف و توسعه حوزه های نفتی از طریق قراردادهای نفتی جدید با عنوان IPC مشارکت کنند.

در ادامه، این پژوهشگر مهمان به این نکته مهم اشاره کرد که از لحاظ تاریخی، ایران عرضه کننده قابل اعتماد نفت و گاز می باشد. از سویی دیگر، وضعیت امنیت در ایران باثبات تر از کشورهای اصلی تولید کننده نفت در منطقه است. فنلاند فاقد منابع داخلی در زمینه انرژی فسیلی است و باید مقادیر بسیار زیادی نفت، گاز طبیعی و دیگر منابع انرژی مانند اورانیوم را برای تولید انرژی هسته ای خود وارد کند. بنابراین، فنلاند به واردات سوخت های فسیلی بسیار وابسته است و سیاست انرژی کانون دغدغه های حکومت این کشور می باشد.

همچنین، پاشنگ درخصوص چشم انداز روابط انرژی میان ایران و فنلاند بیان کرد که فنلاند می تواند فرصت های بسیاری را در صنعت نفت و گاز ایران از جمله سرمایه گذاری در بخش های بالادستی و پایین دستی آن، وارد کردن نفت و گاز (به شکل گاز طبیعی مایع) و نیز همکاری های تکنولوژیک بیابد. درخصوص صادرات

گاز به فنلاند باید گفت که روسیه هم اکنون به فنلاند گاز صادر می کند. صدور گاز طبیعی مایع ایران نیز می تواند نقشی مهم را در متنوع سازی منابع تامین انرژی فنلاند در پی داشته باشد.

در پایان، وی عنوان کرد که در مجموع، ایران به ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری در زمینه توسعه میادین نفتی مشترک، بازیابی ذخایر نفتی و نیز تضمین توسعه اهداف خود نیاز دارد. ۱۳۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز مورد نیاز است. همچنین، ۷۰ میلیارد دلار باید به تسهیلات و پالایشگاه های نفتی تزریق شود. بنابراین، سرمایه گذاری زیادی به منظور نوسازی فناوری و سازوکار عملیاتی مورد نیاز است تا کشور را قادر سازد که با دیگر بازیگران پیشرفته و ماهر در بازار نفت و گاز رقابت کند. در نتیجه، انتقال فناوری در توسعه ایران نقشی حیاتی را دارد.

چهارمین سخنران این نشست، آقای ولی پکا تینکینن، استاد سیاست انرژی روسیه در موسسه الکسانتری بود که درباره روابط انرژی میان اتحادیه اروپا و روسیه به ایراد سخنرانی پرداخت. در آغاز، وی این سوال را مطرح کرد که انرژی چگونه به عنوان یک ابزار یا اهرم نفوذ و یا به عنوان یک سلاح در قالب دیپلماسی درک می شود. سپس، وی به این نکته مهم اشاره کرد که اتحادیه اروپا بزرگ ترین خریدار انرژی روسیه است و روسیه نیز بزرگ ترین فروشنده انرژی به اتحادیه اروپا می باشد. در این راستا، وی بیان کرد که طی ده سال گذشته و نیز در زمان بحران اوکراین این بحث مطرح شده است که آیا روسیه از انرژی به عنوان یک سلاح و یا یک اهرم به منظور تاثیرگذاری بر سیاست خارجی این کشورها استفاده می کند. از دیدگاه وی، مساله اوکراین مورد ویژه ای است؛ چرا که از زمان فروپاشی شوروی سابق، روسیه در اوکراین از انرژی به عنوان یک سلاح کم و بیش سخت استفاده کرده است؛ به گونه ای که روسیه با به کارگیری سیاست هویچ و چماق همواره سعی داشته است تا آن نوع حکومت هایی را در کی یف ارتقاء دهد که در راستای منافع آن هستند و دیدگاه مثبتی نسبت به مسکو دارند.

سپس، تینکینن توضیح داد که برخلاف اوکراین، شیوه برخورد روسیه در استفاده از انرژی به عنوان یک اهرم در برابر کشورهای اروپایی مانند آلمان، فرانسه، ایتالیا و یا فنلاند متفاوت بوده است. در اوکراین، روسیه از انرژی به عنوان یک "سلاح سخت" و در اروپای غربی به عنوان یک "سلاح نرم" استفاده کرده است. به عنوان مثال، شرکت های گاز روسی - که مهم ترین آنها، شرکت گازپروم است - از سیاست هویچ و چماق (سیاست تهدید و ترغیب) در اوکراین استفاده کرده اند، اما اساس سیاست آنها در اروپای غربی، سیاست ترغیبی (دادن هویچ) بوده است. بر این مبنا، شرکت های گاز و نفت اروپایی با یکدیگر در رابطه با اینکه چه کسی بهترین و بیشترین امتیازات (هویچ ها) را به دست می آورد، رقابت می کنند. بدین دلیل است که روسیه موفق شده است تا مانع شکل گیری سیاست واحد مشترکی در میان کشورهای اروپایی شود و این امر را می توان به عنوان یک اهرم در مقابل اروپا تعریف نمود.

در ادامه، وی عنوان کرد که راهبردهای گوناگونی برای مقابله با این نوع اهرم به کار گرفته شده - توسط روسیه - وجود دارد؛ یکی از آنها می تواند متنوع سازی ترکیب انرژی در هر کشور اروپایی باشد. به عنوان مثال، ترکیب انرژی فنلاند بسیار متنوع است؛ هیچ یک از بخش های انرژی بر دیگر مسلط نیست و همچنین، فنلاند منابع انرژی تجدیدپذیر، انرژی آبی و انرژی هسته ای دارد. بنابراین، این نوع ترکیب انرژی می تواند مقابله با این نوع اهرم و سلاح روسیه را تضمین سازد. البته، وضعیت کشورهای حوزه دریای بالتیک بسیار متفاوت است و آنها به گاز روسیه بسیار زیاد وابسته هستند.

در پایان، وی اشاره کرد که به طور کلی، اخیراً شکل دادن به یک "سیاست مشترک انرژی" مخصوصاً در پی بحران اوکراین به طور جدی مطرح شده است. بنابراین، مذاکراتی در زمینه ایجاد یک "اتحادیه انرژی" به منظور کنترل امور انجام شده است؛ به عنوان مثال، اینکه چگونه شرکت گازپروم به طور جداگانه با شرکت های انرژی - که وابسته به اشخاص هستند - در کشورهای اروپایی معامله (تجارت) می کند. در نتیجه، شکل گیری "سیاست مشترک

انرژی" در آینده می تواند با این اهرم روسیه - که به طور هوشمندانه ای، از آن طی دهه های گذشته استفاده کرده است - به گونه ای مقابله کند.

در ادامه، آقای احمدی لفورکی به ذکر نکات خود درخصوص روابط انرژی میان ایران و اروپا در دوره پسابرجام پرداخت. وی توضیح داد که در ارتباط با این موضوع، دو سوال مهم قابل طرح می باشد: نخست آنکه، برجام چه تاثیری بر تحول ژئوپلیتیک منطقه خواهد داشت و سرانجام آنکه، چگونه برجام در حال ایجاد فرصتی به منظور بهبود روابط انرژی میان ایران و اتحادیه اروپا می باشد.

در ارتباط با سوال نخست، احمدی لفورکی بیان کرد که چنانچه به ماهیت در حال تحول ژئوپلیتیک خاورمیانه توجه شود، می توان دید که پیامدهای این تحول برای اتحادیه اروپا عمدتاً منفی است و نمونه های بسیاری در رابطه با تاثیر منفی مزبور می توان مشاهده کرد که مهم ترین آن، بحران پناهندگان است. بنابراین، در چنین فضایی برجام نقطه عطفی است که برخلاف همه پویایی های منفی منطقه ای ثبات را در منطقه افزایش داده و راه را برای مشارکت بهتر میان ایران و جهان از جمله اتحادیه اروپا هموار کرده است و همچنین، آن انگیزه جدیدی برای ایران به همراه خواهد داشت تا جهان گرایی را به عنوان یک روند در سیاست خارجی خود لحاظ کند.

همچنین، از دیدگاه وی، نکته سیاسی دیگر در رابطه با سوال اول این است که منافع ایران همپوشانی بیشتری را با منافع نظام جهانی از جمله اتحادیه اروپا نشان می دهد. ایران با انعقاد برجام و کمک به رژیم عدم اشاعه، حمایت از ساختار دولت - ملت در منطقه در عراق و سوریه، حمایت از راه حل دیپلماتیک برای مشکلات منطقه ای، اجتناب از سیاست هویت گرایی و پیشگیری از تنش های ناشی از این سیاست، و نیز با پیروی از هنجارهای جهانی روند جدیدی را ایجاد کرده است؛ روندی که در آن نقش و جایگاه ایران در سیاست بین المللی و منطقه در

حال ارزیابی مجدد است. ارزیابی مجدد نقش ایران واقعا به نفع آن است و فرصتی را برای گسترش روابط و همکاری ایران با اتحادیه اروپا در حوزه های گوناگون از جمله روابط انرژی و امنیت آن فراهم می کند.

سپس، وی در پاسخ به سوال دوم درباره انرژی و برجام به چند نکته مهم اشاره کرد. نخست آنکه، تا قبل از سال ۲۰۱۲، ایران هشتمین تامین کننده نفت خام اروپا بود. پس از لغو تحریم ها، در کوتاه مدت، افزایش تولید نفت توسط ایران قیمت نفت را در سطح پایینی نگاه خواهد داشت که این امر کاملا به نفع اتحادیه اروپا است و به این اتحادیه در کاهش تورم و افزایش درآمدهای شهروندانش می تواند کمک کند. نکته دوم به حوزه گاز مربوط می شود. اتحادیه اروپا دومین مصرف کننده بزرگ گاز در جهان است و ایران بزرگ ترین دارنده منابع گاز طبیعی می باشد. بنابراین، این حوزه می تواند حوزه بسیار خوبی برای همکاری میان ایران و اتحادیه اروپا باشد. از سویی دیگر، اقتصاددانان اتحادیه اروپا در جستجوی منابع انرژی مطمئن و متنوع تری هستند. در این راستا، ایران می تواند از طریق کریدور ترکیه و خط لوله گازی ترنس آناتولین (تاناپ) به اروپا گاز صادر کند. همچنین، این امر به کاهش وابستگی اتحادیه اروپا به گاز روسیه از طریق متنوع سازی منابع تامین انرژی منجر خواهد شد. نکته سوم، موقعیت جغرافیایی ایران است. ایران می تواند یک کریدور ترانزیت باشد و این امر بسیار مهم است. چنین موقعیت ژئوپلیتیکی به ایران اجازه می دهد تا مجرا یا کانالی برای انتقال منابع انرژی از دریای خزر و کشورهای مستقل مشترک المنافع به اروپا باشد.

در پایان، وی به دو نکته مهم اشاره کرد. نخست آنکه، برجام راه حل و وضعیتی را ایجاد کرده است که به ایران اجازه می دهد تا جهان گرایی را به عنوان یک روند در سیاست خارجی خود لحاظ کند. این امر بدین معنا است که ایران می تواند از منطقه به عنوان یک دارایی ارزشمند به منظور تعامل با نظام جهانی استفاده کند. نکته دوم آنکه، ایجاد روابط انرژی طولانی مدت با اتحادیه اروپا جنبه مهم سیاست انرژی و دیپلماسی انرژی ایران است.

برجام و لغو تحریم‌ها توسط اتحادیه اروپا در حوزه نفت و گاز به ایران فرصت خارج شدن از انزوای را خواهد داد. همچنین، این موضوع مجدداً روابط بسیار خوبی را میان ایران و بازیگران بین‌المللی ایجاد خواهد کرد و منجر به گسترش روابط تجاری میان اتحادیه اروپا و ایران خواهد شد.

سپس، آقای کانگاسپورو، استاد سیاست انرژی روسیه در موسسه الکسانتری درباره انرژی و امنیت جهانی به دو نکته مهم اشاره کرد. نکته نخست آنکه، روسیه و انرژی به امنیت جهانی مرتبط می‌شوند؛ بدین دلیل که روسیه یک قدرت بزرگ هسته‌ای - از این لحاظ، هم‌تراز با ایالات متحده - است. بنابراین، به منظور ایجاد یک نظام امنیتی پایدار به این نکته باید توجه کرد. نکته دوم آنکه، پس از سقوط شوروی سابق، روسیه همواره جامعه‌ای بی‌ثبات بوده است و تاحدی، بحران اوکراین را به عنوان پیامدهای سقوط شوروی سابق می‌توان تفسیر کرد. البته، باید به این نکته توجه داشت که خطوط گازی شرکت گازپروم در آسیای مرکزی و منطقه دریای خزر منافع روسیه - و نیز توسعه جامعه روسی - و امنیت انرژی جهانی را به یکدیگر متصل می‌کند.

در ادامه، وی عنوان کرد که مساله نخست و بزرگ روسیه این است که این کشور چگونه می‌تواند از وابستگی به انرژی خارج شود. روسیه توسعه اقتصادی و اجتماعی خود را بر مبنای سطح خاصی از قیمت نفت استوار کرده است و این امر خود به معنای آن است که این کشور بحران و نیازی دائمی برای تغییرات ساختاری دارد. البته، ما نمی‌دانیم که آیا روسیه ظرفیت و منابع کافی و نیز اراده سیاسی برای انجام چنین اقدامی - خروج روسیه از وابستگی به انرژی - را دارد.

در این راستا، وی اظهار کرد که دو راه برای دولت روسیه به منظور حفظ نفوذ و منافع آن در جمهوری‌های سابق شوروی وجود دارد. نخست آنکه، به عنوان بدترین گزینه، شروع به اتکاء بر قدرت نظامی خود کند. دومین

گزینه این است که روسیه بتواند شروع به انجام اصلاحات به منظور متنوع سازی اقتصاد خود کند. در واقع، روسیه باید شروع به توسعه و پیشرفت کند تا بتواند از وابستگی به انرژی رها شود. البته، در یک تصویر بزرگ تر، این امر به نفع کل اروپا و جهان و نیز به نفع توسعه جهانی خواهد بود.

سپس، دکتر برزگر تاکید کرد که توافق هسته ای ایران بر امنیت منطقه ای به طرز مثبتی تاثیر خواهد گذاشت و روابط میان کشورهای را که در امنیت منطقه ای انرژی مهم هستند، بهتر خواهد کرد؛ همچون روابط ایران و چین، ایران و ترکیه، ایران و هند و حتی ایران و آمریکا. به عنوان مثال، هنگامی که حس ناامنی ناشی از مساله هسته ای از روابط ایران و آمریکا حذف شود، این امر بر ثبات منطقه ای تاثیر مثبتی خواهد داشت و همچنین، این مساله از ابعاد مختلف برای امنیت انرژی مثبت و مفید می باشد. همچنین، وی به این نکته اشاره کرد که جنگ علیه داعش - که هم اکنون، آنها در حال صدور نفت خود هستند - از طریق اختلال در قیمت طبیعی جهانی نفت، خود ناامنی برای امنیت انرژی ایجاد کرده است و آن به مانعی برای سرمایه گذاری و اکتشاف خارجی در حوزه صنعت نفت تبدیل شده است.

سرانجام، آقای کیوین به ذکر این نکته مهم پرداخت که فنلاند می تواند از تولیدات انرژی ایران بهره مند شود. همچنین، وی این حقیقت را که ایران در حال ورود به بازارهای انرژی است، مورد تایید قرار داد. از نقطه نظر وی، این دیدگاه به توافق هسته ای (برجام) مربوط می شود که آن موجب موفقیت و رونق یافتن بیشتر ایران در آینده خواهد شد. همچنین، از دیدگاه کیوین - در مقایسه با نظر پیش تر همکاران وی - فضایی رقابتی در حوزه انرژی میان کشورهای اروپایی وجود دارد و در نتیجه، ایده ایجاد نوعی "سیاست مشترک اروپایی انرژی" واقع بینانه به نظر نمی رسد. در واقع، ارتباطی به روسیه ندارد، بلکه کشورهای اروپایی به طور جداگانه انتخاب های خود را انجام می دهند. به عنوان مثال، اینکه سوئد کاملا از تولید انرژی هسته ای دست کشیده است، ربطی به روسیه ندارد؛ بلکه مساله ای

دیگر است. در واقع، این امر به انتخاب خود آنها (سوئدی ها) - که برای آنها در مقیاس جهانی مهم است - باز می گردد. بنابراین، تلاش کشورهای اروپایی بر مبنای این حقیقت است که هر یک از آنها دغدغه های خاص خود را در اروپا دارند. در واقع، از دیدگاه وی، تردیدی جدی وجود دارد که "سیاست مشترک اروپایی انرژی" به منظور مقابله با روسیه را به مسائل اقتصادی بتوان مرتبط ساخت، بلکه آن باید نوعی وابستگی متقابل را ایجاد کند؛ به طوری که روسیه را به ساختارهای اروپایی متصل کند.

سرانجام، وی درخصوص روابط انرژی میان روسیه و فنلاند اظهار کرد که فنلاند از سال ۱۹۷۴ از روسیه گاز وارد می کند و این کشور صد در صد وابستگی به گاز روسیه دارد. بنابراین، چشم انداز مثبتی درخصوص ورود ایران از طریق گاز طبیعی مایع به بازار فنلاند وجود دارد؛ زیرا این امر به معنای متنوع سازی منابع انرژی فنلاند می باشد. در پایان، سخنرانان نشست مزبور به سوالات حضار پاسخ دادند.

گزارش: فهیمه قربانی، پژوهشگر پژوهشکده و دانشجوی دکتری روابط بین الملل